

## بازآفرینی اصل به زبان فارسی؛ دشوار در ترجمه‌های ادبی<sup>۱</sup>

حسین عبده تبریزی

مترجم ادبی به ما فرهنگ‌ها، شیوه‌های نگارش دیگران، و محرک‌های معنوی و سیاسی آنان را می‌آموزد. ادبیات آئینه‌ی روابط اجتماعی و فرهنگی بین مردم است. وقتی متن ادبی به فارسی ترجمه می‌شود، مردم فارسی‌زبان می‌توانند از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای دیگر درکی مناسب بیابند. گفتگوی بین فرهنگ‌ها به مجاری ارتباطی نیازمند است، و در این میان ادبیات ابزار بسیار مهمی در فرایند گفتگوست. هر کتاب ترجمه بازتاب ارزش‌ها، انگاره‌ها، و افکار نویسنده و اجتماع پیرامونی اوست. وقتی ترجمه‌ای را می‌خوانیم؛ اقدامات، اصول، سنت‌ها و افکار مردمی از جغرافیای دیگر را درمی‌یابیم. بدون ترجمه، مردم از معرفت انباشته و دانش‌کهن سایر فرهنگ‌ها محروم می‌شوند. ترجمه‌ی ادبی دروازه‌های زرادخانه‌ی گسترده‌ی ادبیات را به روی ما می‌گشاید؛ ادبیاتی که به طور سنتی در دسترس بخش بزرگی از مردم زبان مقصد نبوده است. چون در ترجمه‌ی ادبی تقریباً همه چیز تغییر می‌کند: هر کلمه، هر عبارت، و حتی هر سیلاب واژه با متن اصلی متفاوت است، در هنگام ترجمه‌ی کتاب، بازآفرینی اصل چالش بزرگی است؛ هر زبان ویژگی‌ها و مشخصات متمایز خود را دارد. حفظ توازن بین آنچه می‌باید به‌درستی ارائه شود و آنچه باید دریافته شود، دشوار است. این توازن عمدتاً نیازمند انتخاب صحیح کلمات بدون انحراف از متن اصلی نویسنده است. مترجم به متن اصلی وفادار است، اما در عین حال متن ترجمه حیات و نشاط خود را دارد. بی‌شک برای چنین کاری مترجم ادبی باید مهارت و معیارهای کیفی بالاتر از مترجم سایر متون داشته باشد. ارتباط مؤثر با ترجمه‌ی کلمه به کلمه از زبان اصلی شکل نمی‌گیرد، بلکه انتقال هوشمندانه‌ی چارچوب پیام به زبانی ضروری است که جامعه‌ی هدف آن را دریابد. عبدالله کوثری مترجمی است که در جوش دادن زبان‌ها به زبان فارسی مهارت دارد.

---

<sup>۱</sup>. به مناسبت گرامیداشت هفتادمین زادروز عبدالله کوثری

وی می‌کوشد با پرهیز از هر لغزش کوچکی در ترجمه، پیام را به درستی انتقال دهد تا از سوء برداشت‌ها جلوگیری شود. وی با مدیریت کامل محتوا از جزئیات ریز و درشت فرایند ترجمه مراقبت می‌کند. پوست انداختن فونت‌تس به ترجمه‌ی کوثری نمونه‌ی مناسبی از انتقال دقیق پیام است. سر زندگی و نشاطی که در ترجمه‌ی سور بز یوسا می‌یابیم، بیانگر ذوق و تدبیر مترجم در حفظ نبض تپنده‌ی کتاب مؤلف است. ترجمه‌ی ادبی می‌باید نبض متن اصلی را بزند؛ تبدیل چیزی زنده و تازه به چیزی مرده و راکد را نمی‌توان وفاداری عمیق تعریف کرد.

فارسی با بسیاری از زبان‌های فرنگی دو سیستم زبانی جداگانه‌اند، و از این رو در طول ترجمه به طور دائمی با مشکلات مواجه‌ایم. مشکل به واژه‌یابی منحصر نیست که برای آن کم‌وبیش راه‌حلی می‌توان یافت، بلکه در ترجمه‌ی ادبی اعم از نمایشنامه‌ها، رمان‌ها و یا داستان‌های کوتاه، مشکل ترجمه‌ی دیالوگ‌ها جدی است. این جاست که دستیابی به سبک و سطح زبان مناسب حیاتی است. کوثری با دستیابی به سبک و زبان نویسنده در ده‌ها جلد از ترجمه‌های خود به‌خوبی بر مشکل ترجمه‌ی دیالوگ‌ها فائق آمده است. مشکلات دیگر به صنایع بدیعی شعری، کنایه‌ها، تشبیه‌ها، و به طور کلی الگوهای ادبی برمی‌گردد. این‌ها همه در دو زبان انگلیسی و فارسی تفاوت‌های اساسی با هم دارند. اگر مترجم بخواهد ترجمه‌ی مستقیم یا تحت‌اللفظی کند، نتیجه گاه بسیار مصنوعی از آب درمی‌آید. در شعر کار از این هم مشکل‌تر است، و ترجمه ناممکن می‌شود؛ در شعر انتقال به‌درستی صورت نمی‌گیرد، و برداشت آزاد را نمی‌توان ترجمه نامید؛ این ژانر متفاوتی از کار ادبی است. با این همه، طبع شاعرانه‌ی مترجم به وی اجازه داده است تا به‌خوبی از عهده‌ی ترجمه‌ی موزون و آهنگین نمایشنامه‌ای چون *ملنای ائورپیدس* درآید.

عبداله کوثری کتابخوان قهاری است، و از این رو در دو طرف فرایند ترجمه ایستاده است: مترجم و خواننده‌ی ترجمه‌ها. فروتنانه همه‌ی خوبی‌های ترجمه‌ی خود را به نویسنده نسبت می‌دهد. کار مترجم را کار در قلمرو دیگران و زمین غصبی می‌پندارد؛ به‌رغم ابتکارات بسیار خود، می‌خواهد دائماً از صحنه غایب باشد؛ ناخودآگاه، متن ترجمه‌ای را خوب می‌داند که در آن مترجم نامرئی باشد. اقدامش به ارتکاب ترجمه از ضرورت تام احترامی عمیق به نویسنده نشأت می‌گیرد. نویسندگان کتاب‌هایش

بزرگ‌اند، چون این را در آثار خود به اثبات رسانده‌اند، اما گویی بزرگی مترجم را در غیبت‌اش در متن ترجمه می‌داند. این امانت‌داری را در هر یک از ترجمه‌های وی و از جمله این اواخر در ترجمه‌ی حکومت نظامی خوسه دونوسو سراغ بگیرید.

در ترجمه‌ی هر متن ادبی، همواره جملاتی بناگاه ظهور می‌کنند که چفت‌وبست آن‌ها با زبان مقصد دشوار است: بیانی دوپهلوی دارند، با طنز یا ایهام آمیخته‌اند، معنایی بسیار محلی با اشاره به رویدادهایی بسیار خاص دارند. کافی است خاطرات پس از مرگ یا حتی گرینگوی پیر را بخوانیم تا دریابیم مترجم چقدر در کشف تعابیر محلی و رموز را از بیان پرابهام دآسیس و فونتس دقت به خرج داده است. این راهبندهای ترجمه زمان‌بر و اعصاب‌خوردکن‌اند. مترجم برای این جمله‌ها باید حوصله به خرج دهد، و کوثری در لایه‌لایه از ترجمه‌های پیچیده‌ی خود، بردبارانه به دست و گاه به دندان گره‌ها گشوده است.

تولید انبوه ترجمه‌های ادبی در گذشته‌های نه چندان دور در ایران به سبک تمثیلی آن‌ها برمی‌گشت. آن‌چه نویسندگان آن کتاب‌ها نوشته‌اند را می‌شد به اشکال مختلف تفسیر و تعبیر کرد و به طیف گسترده‌ای از شرایط بسط داد. این نویسندگان آثار هنری «بازی» دارند؛ نوشته‌هایشان را می‌شود آن‌چنان گسترده تعبیر و تفسیر کرد که بازتاب شرایط جوامع مختلف در کشور خودمان باشد. آثار این گروه از نویسندگان در ایران بیش‌تر ترجمه شده است. استقبال از آن نویسندگان در کشورهای در حال توسعه و از جمله در ایران بیش‌تر روشی برای فرار از سانسور بوده است؛ به خوانندگان فرصت مانور داده می‌شده تا آزادانه‌تر متن را به نحو دلخواه و متناسب با انتظارات خود تفسیر کنند. معدود مترجمان و از جمله عبدالله کوثری حالا دیگر از استقبال از این سبک گذر کرده‌اند. آنان مستقلاً به ارزش تاریخی و فرهنگی متن مبدا علاقه‌مندند، فارغ از این که بازتابی از شرایط ایران باشد یا نباشد.

همواره از این موهبت برخوردار بوده‌ام که با توجه به وقت محدود و حوزه‌ی علاقه و کار متفاوت خود، پاره‌ای ترجمه‌های آقای کوثری را بخوانم و از آن‌ها عمیقاً لذت ببرم. تشکر صمیمانه‌ی من نثار عبدالله کوثری عزیز برای موفقیت در انتخاب این همه متن‌های ادبی ممتاز و موفقیت در ترجمه‌ی ارزشمند آن‌ها. تا آن‌جا که امروز نام اوست که مؤلف را به جامعه‌ی ایرانی معرفی می‌کند و کتاب به ترجمه‌ی اوست که کتابخوانان از کتابفروشان و کتابخانه‌ها طلب می‌کنند.

در این آغازین روزهای دهه‌ی هشتم عمر، برای این مترجم بزرگ ایران زمین چه تمنايي فراتر از آرزوی سلامتی، عمری بلند، و دلی خوش می‌توان داشت. عبدالله عزیز! کتاب‌هایی را که دوست داری ترجمه کن، اگر امروز باب دندان بازار کتاب نباشد، بی‌شک مدتی بعد مورد استقبال بازار می‌شود، آن‌گونه که در *جنگ آخرالزمان* تجربه کرده‌ای. طلب کنیم آقای کوثری همان‌گونه که تا امروز با ترجمه‌ی مؤثر و دقیق ده‌ها جلد کتاب پرارزش از کلاسیک‌های یونان گرفته تا نویسندگان توانای امریکای لاتین، پیام جهانیان را به ایرانیان رسانده است، در سال‌های پیش‌رو نیز همچنان استوار و مقتدر به کار توسعه‌ی جهان ادامه دهد.